

نامه یک معلم به وزیر آموزش و پرورش

جناب وزیر اگر من جای شما بودم

ابوالفضل رحیمی‌شاد

نامه يك معلم به وزير آموزش و پرورش
جناب آقای دکتر يوسف نوري وزير محترم آموزش و پرورش، روز سه‌شنبه سي آذر مي‌خواستم نامه‌اي با همین عنوان (من اگر جای شما بودم) براي‌تان بنویسم. اما گفتم بهتر است چند روزي صبر کنم شاید جنابعالي با راهنمایی مشاوران‌تان راهي پيش بگیری که همه از آن بهرمنند شوند و نیازی به نوشتن این نامه نباشد. تا اینکه جلسه عصر شنبه، چهارم دي شما با مدیران کل آموزش و پرورش و دعوت از برخی معلمان فعال در عرصه صنفی و سیاسی به صورت ویدیوکنفرانس برگزار شد. نحوه برگزاری جلسه مرا بر آن داشت که حتما این نامه را براي شما بنویسم و براي اینکه زودتر از محتوای آن با خبر شوید به صورت سرگشاده در یکی از نشریات داخلی آن را منتشر کنم. جناب آقای نوري از صحبت‌های شما در جلسه معلوم است که صدای حقیقت‌خواهي و عدالت‌خواهي معلمان را شنیده‌اید و از مطالبه بحق معلمان که در هیچ يك از دولت‌ها و مجالس پيشین پاسخ لازم و درخور به آن داده نشده است، باخبرید و قطعاً همین مطالبه‌گري و طنین صدای اعتراض معلمان در بیش از یکصد و ده شهر بود که موجب برگزاری جلسه شد. این تصمیم شما براي گفت‌وگو با معلمان جای تقدیر و تشکر دارد. اما جناب آقای وزير به نحوه برگزاری این جلسه سه اشکال وارد است که اگر واقعا جنابعالي قصد حمایت از معلمان و پیگیری مطالبه بحق آنها و نه برپایی يك نمایش براي تظاهر به همدلی و همراهي و در پس آن ساکت کردن صدای اعتراضات و حقیقتی معلمان را دارید، لازم است خیلی زود ظرف چند روز آینده درصدد رفع این سه اشکال باشید.

اشکال اول) روش دعوت: شأن و منزلت معلم بیش از آن است که براي شرکت در يك جلسه گفت‌وگو چند ساعت قبل از جلسه به‌طور غیر رسمی آن هم از طریق تلفن دعوت شود.

این روش دعوت نه فقط در شأن مدعوین نبود که در شأن میزبان در

جایگاه وزیر آموزش و پرورش هم نبود. اشکال دوم) هدف از دعوت: اگر هدف شما از برگزاری این نشست شنیدن مطالبات معلمان بود که کار بیهوده‌ای انجام دادید، زیرا قطعاً خودتان و مشاوران‌تان به‌طور دقیق از آن باخبرید. اما اگر هدف واقعی‌تان حل مساله با مشارکت و کمک خود معلمان و دعوت معلمان به آرامش و به دست آوردن فرصت لازم برای این کار باشد جای تقدیر و تشکر دارد اما بهتر از من میدانید که برای رسیدن به هدف باید تمامی ابزار لازم برای رسیدن به آن فراهم شود. در اینجا با مفروض گرفتن انتخاب این هدف عقلانی، اخلاقی، درست و بجا از جانب شما اشکال سوم پیش می‌آید.

اشکال سوم) انتخاب نادرست مدعوین: در آموزش و پرورش تشکلهای درون‌صنفي مختلفی فعالیت دارند اما لازم است به این نکته توجه داشته باشید که این تشکلهای اگر چه درون‌صنفي هستند، اما تشکل صنفي به معنای نهادی مستقل از دولت و با هدف پیگیری مطالبات صنفي معلمان نیستند. این تشکلهای طبق اساس نامه‌شان یا حزب سیاسی هستند یا انجمنی صنفي و سیاسی و برخی دیگر حتی زیرمجموعه بخشی از حاکمیت و نهادهای نظامی. از این‌رو ضمن احترام به اعضای تمامی این تشکلهای و تاکید بر حق کنشگری درون‌صنفي بر اساس اهداف، ارزشها و هنجارهایی که به آن باور دارند و برای خود تعریف کرده‌اند اما باید در نظر داشت که این تشکلهای به واسطه همین هدفگذاری در اساسنامه نمی‌توانند نماینده جامعه فرهنگیان در حوزه مطالبات و منافع درون‌صنفي باشند که در عمل و واقعیت هم در میان جامعه بزرگ فرهنگیان از چنین جایگاهی برخوردار نیستند و صدمه‌ها با توجه به هدفی که این تشکلهای برای خود تعریف کرده‌اند، این مساله برای آنها نه نقص است و نه نقطه ضعف و صرفاً ویژگی برآمده از هویت نهادی و فلسفه وجودی آنهاست. از این‌رو اگر همان‌طور که عرض کردم هدف جناب‌عالی حل مساله و پیگیری مطالبات معلمان با مشارکت و کمک خود معلمان و دعوت معلمان به آرامش و به دست آوردن فرصت لازم برای رایزنی با دولت و مجلس است باید برای این نشست از شورای هماهنگی تشکلهای صنفي به عنوان نمایندگان واقعی معلمان در حوزه مطالبات صنفي دعوت می‌کردید. همان‌طور که اگر مثلاً بحث انتخابات یا پیگیری مسائل مرتبط با حوزه سیاست باشد شاید لزومی به دعوت از تشکلهای صنفي نباشد. بنا بر آنچه عرض کردم اگر من جای شما بودم برای حل این مساله خیلی سریع هیاتی مرکب از نماینده ویژه وزیر آموزش و پرورش، معاون وزیر اقتصاد، معاون سازمان برنامه و بودجه، معاون سازمان بازنشستگی کشوری، رییس کمیسیون آموزش مجلس، آقای حاجی‌بابایی (به عنوان وزیر اسبق آموزش و پرورش و نماینده حال

